

بررسی تجربه پژوهشی دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد¹ و عوامل مؤثر بر آن

حسن بهزادی *

دکتر محمدرضا داورپناه **

چکیده

پژوهش حاضر با روش پیمایشی، عوامل تبیین‌کننده تجربه پژوهشی² دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار داده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای است که بر مبنای پرسشنامه PREQ طراحی و هنجارسازی شده است. جامعه آماری این پژوهش، آن دسته از دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشند که در دوره زمانی مورد مطالعه، طرح مقدماتی پایان‌نامه (پروپوزال) آنها در شورای آموزشی دانشکده به تصویب رسیده است و یا از پایان‌نامه خود دفاع نموده‌اند. نمونه مورد بررسی بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعیین گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که: بین تمام عوامل تبیین‌کننده تجربه پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد. رضایت کلی دانشجویان از عوامل هفت‌گانه تبیین‌کننده تجربه پژوهشی، متفاوت است. متغیر جنسیت بر میزان رضایت دانشجویان از عوامل تبیین‌کننده تجربه پژوهشی مؤثر است. نتایج کلی پژوهش نشان داد که به طور کلی، دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد از عوامل مختلف تبیین‌کننده تجربه پژوهشی رضایت نسبی دارند.

واژگان کلیدی: تجربه پژوهشی، عوامل تبیین‌کننده تجربه پژوهشی، پایان‌نامه‌نویسی، دانشجویان دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد

1. بر گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

* کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و مسئول بخش فراهم‌آوری کتابخانه دانشگاه امام رضا(ع)

** دانشیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

پژوهش، همواره از ابزارهای پیشرفت و تعالی مادی و معنوی بشر بوده و هست. بدون تردید می‌توان پیشرفت‌های بشر در طی دوران‌های مختلف تاریخ تاکنون را مدیون پژوهش و تحقیق دانست (فیاضی، 1380). در دنیای امروز دانشگاه‌ها به عنوان بستر اصلی تفکر، تتبع و تفحص مسائل مبتلا به جامعه، شناخته شده‌اند. امروزه یکی از بارزترین مقوله‌های مورد بحث در آموزش عالی، موضوع «آموزش مبتنی بر پژوهش» و برداشت‌های مختلف از چگونگی اجرای آن است. غلبه بر فاصله موجود بین حوزه‌های آموزش و پژوهش با رخنه کردن پژوهش در بدنه آموزش عالی و به ویژه در حوزه آموزشی امکان‌پذیر است (انتواستل، 2002)¹.

هم اکنون همه کشورها در تلاش‌اند تا نقش دانشگاه‌ها را در توسعه ملی و ارتقای دانش و تکنولوژی مورد توجه قرار دهند. سنت حاکم بر آموزش عالی در کشورهای پیشرفته، حداقل در پنجاه سال گذشته، تربیت نیروی انسانی با کیفیت عالی و مناسب برای حل مشکلات جامعه بوده است. دانشگاه‌ها کوشیده‌اند، بروندهای آنان دارای تفکری خلاق باشند، تا بتوانند تفکرات خود را انتقال دهند، مسئله‌گشایی کنند و در نهایت نقش مهمی را در بهبود زندگی خود و دیگران ایفا نمایند. این کشورها به منظور پیشرفت، آموزش و پرورش و آموزش عالی را بر همه چیز مقدم شمرده‌اند (آراسته، 1382: 2).

همانگونه که اشاره شد، پرداختن به پژوهش، یکی از مهم‌ترین وظایف دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌باشد. این وظیفه در جامعه دانشگاهی بر عهده دو گروه اصلی می‌باشد: نخست استادان و سپس دانشجویان دانشگاه‌ها. استادان دانشگاه‌ها ضمن انجام کارهای پژوهشی به صورت مستقیم نقش هدایتگر و مربی دانشجویان را بر عهده دارند و به نوعی وظیفه تربیت پژوهشگران آتی کشور را نیز انجام می‌دهند. دانشجویان نیز در طول تحصیل خود با تجارب پژوهشی مختلفی روبه‌رو می‌شوند؛ تجربه پژوهشی، پرس و جو یا بررسی‌ای است که توسط دانشجویان هدایت می‌شود و دانشی اصیل یا مشارکتی خلاق را در شاخه‌ای از علم ایجاد می‌نماید (هالستید²، 1997: 6). در این بین، دانشجویان تحصیلات تکمیلی - به ویژه دانشجویان دکتری - به دلیل اینکه در زمان تحصیل تا حدود زیادی دوره

1. Entwistle

2. Hastlid

آموزشی مبتنی بر پژوهش را پشت سر می‌گذارند و از سوی دیگر ملزم به ارائه پایان‌نامه برای اتمام تحصیل خود هستند، به گونه‌ای عمیق‌تر پای به عرصه تجربه پژوهشی می‌گذارند و نقش گسترده‌تری در تولید علم و دانش بر عهده دارند؛ به نحوی که 55 درصد از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه پزشکی از پایان‌نامه‌های پزشکی و کارشناسی ارشد تشکیل شده است (رفاهی، رفائی، ثابت، بقایی، 1379: 2). بنابراین توجه به امر پژوهش این قشر از جامعه علمی کشور می‌تواند موجب ترقی و تعالی علمی کشور در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف علمی گردد. شناخت نیازها و دغدغه‌های این دانشجویان، حمایت مادی و معنوی، ایجاد بستر مناسب، تهیه ابزارها و سایر لوازم پژوهش و... از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه بروز استعداد‌های دانشجویان دکتری را فراهم نماید.

هدف‌ها و کاربرد پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، کسب آگاهی نسبت به تجربه پژوهشی دانشجویان دکتری در دانشگاه فردوسی مشهد است. اهداف فرعی این پژوهش عبارتند از:

- بررسی رابطه عوامل تبیین‌کننده تجارب پژوهشی دانشجویان دکتری؛
- بررسی میزان رضایت دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی از عوامل تجارب پژوهشی؛

- شناسایی مشکلات موجود در تجربه پژوهشی دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد؛

- رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت، حوزه آموزشی، تمایل به ادامه تحصیل، رتبه علمی استاد راهنما، میزان فعالیت‌های علمی و وضعیت اشتغال بر میزان رضایت دانشجویان دکتری از عوامل پژوهشی؛

- گردآوری و فراهم نمودن اطلاعاتی که به واسطه آن مسئولان دانشگاه فردوسی مشهد بتوانند در برنامه‌ریزی‌های آتی خود برای دانشجویان دکتری از آن بهره‌جویند.

فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش در پی آزمون فرضیه‌های ذیل می‌باشد:

فرضیه اصلی

- بین عوامل تبیین‌کننده تجارب پژوهشی دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- میزان رضایت دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد از عوامل مختلف تجارب پژوهشی متفاوت است.
- متغیرهایی مانند جنسیت و حوزه آموزشی دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد بر میزان رضایت دانشجویان از تجارب پژوهشی مؤثر است.
- مشکلات موجود در تجربه پژوهشی دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد بر حسب حوزه آموزشی متفاوت است.
- وضعیت اشتغال دانشجو در میزان رضایت وی از تجربه پژوهشی مؤثر است.
- رتبه علمی استاد راهنما در رضایت دانشجو از عملکرد وی مؤثر است.
- میزان رضایت دانشجویان از تجربه پژوهشی بر اساس چگونگی انتخاب موضوع پژوهش، متفاوت است.

پیشینه پژوهش

مبحث تجربه پژوهشی در خارج از کشور، سابقه‌ای تقریباً چند ده ساله دارد و این مقوله مورد توجه و دقت نظر مسئولان آموزش عالی، رؤسای دانشگاه‌ها، محققان و... می‌باشد.

(استفانی بیل¹، 1990) تجربه پژوهشی در بین دانشجویان دکتری پرستاری را مورد بررسی قرار داده است. جامعه آماری این پژوهش را 32 دانشجوی زن تشکیل می‌دادند و اطلاعات به وسیله مصاحبه آزاد، گردآوری گردید. عواملی که در این پژوهش مورد سنجش قرار گرفت، عبارت بودند از: آموختن، فرایند انتخاب موضوع، کنترل (مدیریت، مالکیت، مهارت، استراتژی و اراده)، ادغام و... یافته‌های پژوهش نشان داد که فرایند پایان‌نامه نویسی، تجربه‌ای تکاملی و رابطه‌ای است.

در پژوهشی دیگر، (سواگر¹، 1997) به بررسی عوامل فردی و وظیفه‌ای بین دانشجو و اعضای هیأت علمی در برنامه‌های پژوهشی دانشگاه میشیگان پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که تعامل بین استاد و دانشجو به عوامل مختلفی بستگی دارد. همچنین تماس بین دانشجو و استاد برای برخی از دانشجویان بسیار مهم است و سطح انگیزش تحصیلی دانشجویان به دامنه مشارکت دانشجو در پژوهش وابسته است و این امر نیز به اهداف علمی و استخدامی وی بستگی دارد.

در پژوهشی دیگر، (آسمار²، 1999)، به بررسی تفاوت تجربه پژوهشی دانشجویان دوره دکتری در دانشگاه‌های استرالیا پرداخت. نتایج نشان داد که در دانشگاه‌های استرالیا، زنان نسبت به مردان موقعیت‌های مشابه کمتری برای تحصیل تمام وقت، استادی، یا رتبه بالاتر، دارند. همچنین زنان تمایلی به تشکیل تیم‌های پژوهشی یا کار با آنها را ندارند و در اغلب موارد نسبت به مردان تولید علمی کمتری دارند.

(کارداش³، 2000)، در پژوهش خود، در مورد تجربه پژوهشی دانشجویان، دیدگاه‌های استادان و مربیان را نیز مدنظر قرار داد. جامعه این پژوهش در 14 مهارت پژوهشی، مانند: مهارت‌هایی چون مرور نوشتار، طرح‌ریزی پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها، کارهای آماری، نگارش علمی و... مورد ارزیابی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشجویان در مقایسه با قبل از اتمام تجربه پژوهشی خود پیشرفتی نسبی در مهارت‌های پژوهشی داشته‌اند. همچنین تفاوت معناداری بین مردان و زنان در آغاز و پایان تجربه پژوهشی وجود ندارد. در همان سال، (مابروک⁴ و پیترز⁵، 2000)، از منظری دیگر به بررسی انتظارات و دیدگاه دانشجویان پیرامون تجربه پژوهشی پرداختند. جامعه آماری این پژوهش را 320 دانشجو تشکیل می‌داد. یافته‌های پژوهش نشان داد که 98 درصد از دانشجویان معتقدند که می‌توانند تجربه پژوهشی خود را به دیگران ارائه دهند. در خصوص مسئولیت روزانه استاد راهنما نیز 62 درصد از دانشجویان معتقد بودند که استاد راهنما این وظیفه را انجام می‌دهد. از سوی دیگر، دانشجویان ارزشمندترین ویژگی‌های استاد راهنما را نیز تسلط موضوعی در خصوص پژوهش، علاقه‌مندی، حضور و شکیبایی استاد راهنما دانستند و معتقد

1. Swager

2. Asmar

3. Kardash

4. Mabrouk

5. Peters

بودند که این ویژگی‌ها ارزشمندتر از روشنفکر بودن، شهرت و پیشتاز بودن علمی استاد راهنما است.

(مارکل¹، 2001)، (سیمور و همکاران²، 2004) و (لوپاتو³، 2004) نیز در پژوهش‌هایی جداگانه فواید و مزایای تجربه پژوهشی را مورد مطالعه قرار دادند و همگی به این نتیجه دست یافتند که پژوهش فواید بسیاری را برای دانشجویان در بر دارد و فرایند تجربه پژوهشی در کسب مهارت‌های فردی و حرفه‌ای مؤثر بوده است. (هانتر و همکاران⁴، 2006)، در پژوهش خود به بررسی نقش پژوهش دانشجویان تحصیلات تکمیلی بر گسترش و ارتقاء مهارت‌های شناختی، فردی و حرفه‌ای آنان پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نیز نشان داد که رشد قابل ملاحظه‌ای در درک عملی و فکری دانشجویان نسبت به چگونگی انجام پژوهش توسط دانشمندان، مهارت‌های تفکر انتقادی و مسأله‌گشا و ماهیت دانش علمی، ایجاد شده است و بسیاری از دانشجویان توانایی خود در کسب دانش، تفکر انتقادی و چگونگی خلق و چارچوب‌دهی به مسائل پژوهشی را بهبود بخشیده‌اند. در همان سال، (کانتر⁵، 2006) در پایان‌نامه خود به وسیله مصاحبه با استادان و دانشجویان، به این نتیجه رسید که وقتی خود دانشجویان موضوع تحقیق را انتخاب کرده باشند، رغبت بیشتری برای نگارش از خود نشان می‌دهند. همچنین بیشتر دانشجویان در مطالعه مواد و منابع سایرین و پیوند برقرار ساختن بین این مطالعات و ایده‌های خود دچار مشکل هستند. (عبدالحافظ⁶، 2007)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین میزان شناخت دانشجویان تحصیلات تکمیلی از آیین‌نامه بکارگیری استاد راهنما در دانشگاه اکستر⁷ و چگونگی تأثیر این شناخت بر گرایش‌ها و انتظارات آنها نسبت به استاد راهنما پرداخت؛ مطلبی که در سایر پژوهش‌ها کمتر بدان پرداخته شده بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین میزان شناخت دانشجویان از آیین‌نامه بکارگیری استاد راهنما و گرایش‌ها آنان نسبت به استاد راهنمایشان وجود دارد. همچنین تفاوت معناداری بین شناخت دانشجویان یا گرایش‌های آنان از یک سو و جنسیت و سال تحصیل آنان وجود ندارد.

1. Markel
2. Seymour et all
3. Lopatto
4. Hunter et all
5. Kanter
6. Abdelhafez
7. Exter

بررسی میزان رضایت‌مندی دانشجویان از تجربه پژوهشی‌شان توسط (کریگ¹، 2007) در دانشگاه تکنولوژی آیکلند² صورت پذیرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که 90 درصد از دانشجویان از کیفیت برنامه‌های آموزشی دانشگاه رضایت دارند. همچنین 83 درصد از آنها از امکانات و منابع دانشگاه از قبیل کتابخانه، امکانات کامپیوتری، تسهیلات آزمایشگاهی و... راضی هستند. (هانبری³، 2007) نیز برای بررسی میزان رضایت دانشجویان از تجربه پژوهشی خود، با هنجارسازی پرسشنامه تجربه پژوهشی تحصیلات تکمیلی (PREQ) به بررسی هفت عامل: استاد راهنما، وضعیت فکری، شفاف‌سازی اهداف و استانداردها، فرایند آزمون پایان‌نامه، زیرساخت، توسعه مهارت‌ها و رضایت کلی دانشجویان 8 مؤسسه آموزشی در انگلستان پرداخت. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که بیش از 68 درصد از دانشجویان، از استاد راهنمای خود رضایت داشتند و 17 درصد نیز از استاد راهنمای خود ناراضی بودند. همچنین 59 درصد از دانشجویان از امکانات و زیرساخت‌های مؤسسات خود رضایت داشتند. از سوی دیگر، 48 درصد از دانشجویان معتقد بودند که مؤسسه شرایط رشد فکری را برای آنان فراهم آورده است. همچنین بیش از 63 درصد از جامعه آماری معتقد بودند که انجام پژوهش سبب شد تا مهارت‌های مختلفی در آنان رشد و گسترش یابد. در مورد عامل شفاف‌سازی معیارها و اهداف نیز 65/5% از دانشجویان از این عامل رضایت داشتند. همچنین 70 درصد دانشجویان از نحوه آزمون پایان‌نامه خود رضایت داشتند. در مورد رضایت کلی از تجربه پژوهشی نیز 56 درصد تجربه خود را فراتر از آنچه که انتظار داشتند، تجربه نموده بودند. از دیگر یافته‌های این پژوهش این بود که بین رضایت استاد راهنما و رضایت کلی از تجربه پژوهشی بیشترین رابطه وجود دارد.

در ایران، کارهای بسیاری در خصوص پژوهش به معنای عام، عوامل مؤثر بر پژوهش و... صورت گرفته است، لیکن در خصوص تجربه پژوهشی دانشجویان به طور خاص، پژوهشی یافت نشد. در زیر به برخی از مواردی که بیشترین ارتباط را با متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش داشته‌اند، اشاره می‌شود.

نداف‌زاده شیرازی (1373) در تحقیق خود دیدگاه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شیراز را درباره مشکلات تحقیق و پایان‌نامه‌نویسی

1. Krieg
2. Auckland
3. Hanbury

بررسی کرد (نقل شده در: نیلی و دیگران، 1383). صادقی (1376) به بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح کیفی پایان‌نامه‌های دانشجویان پرداخت. در پژوهشی دیگر، رفاهی و همکاران (1379) کیفیت پایان‌نامه و چگونگی اجرای آن در میان دانشجویان کارورزی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان را بررسی کردند. زمانی و عظیمی (1383)، نیز مقوله مشارکت دانشجویان در تولید علم را مطالعه کردند. همچنین، نیلی و همکاران (1383) در پژوهش خود به بررسی کیفیت راهنمایی استادان راهنمای پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان پرداختند. نگارش علمی مقوله‌ای بود که توسط حسرتی (1384) در پژوهشی با عنوان «نگارش دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران: حلقه گمشده آموزش عالی» مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش فعلی، مدرس، پزشکی‌راد و چیدری (1385) پیرامون مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و تولید علم، نشان داد که بین میزان مشارکت در فعالیت‌های پژوهشی و متغیرهایی مانند نگرش درباره تحقیقات دانشجویی در کشور، تبادل علمی دانشجویان، دسترسی به تسهیلات پژوهشی، وضعیت مالی و توانایی علمی استادان، رابطه معناداری وجود دارد. از سوی دیگر، دانشجویانی که استادان راهنمای آنان دارای مرتبه استادیاری است، نسبت به سایر دانشجویان دارای مشارکت بیشتری در پژوهش هستند.

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق پیمایشی و از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه¹ PREQ است. این پرسشنامه توسط انجمن فارغ‌التحصیلان استرالیا² و انجمن تحقیقات آموزشی استرالیا³ تهیه و تدوین شده است. هرچند که در طراحی نسخه نهایی پرسشنامه پژوهش، تنها به پرسشنامه ذکر شده در بالا بسنده نشد و بر اساس پیشینه نظری و مرور نوشتار، عوامل و متغیرهایی که متناسب با هنجارها و مقوله‌های مطرح در ایران نیست، به نحو مناسب مورد هنجاریابی قرار گرفت و در پرسشنامه PREQ تغییراتی اعمال گردید و نکاتی از سایر ابزارها بدان افزوده شد تا پرسشنامه طراحی شده متناسب با شرایط تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی

1. Postgraduate Research Experience Questionnaire
 2. The Graduate Careers Council of Australia
 3. Australian Council for Educational Research

ایران باشد و بتواند جنبه‌های مختلف تجربه پژوهشی دانشجویان دکتری ایران را تحت پوشش قرار دهد.

جامعه آماری این پژوهش را آن دسته از دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل می‌دهد که در زمان اجرای پژوهش، طرح مقدماتی پایان‌نامه (پروپوزال) آنها در شورای آموزشی دانشکده به تصویب رسیده است و یا از پایان‌نامه خود دفاع کرده‌اند. بنابراین، می‌توان جامعه مورد بررسی این پژوهش را به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

1) دانشجویانی که از تاریخ 86/7/1 تا 87/6/31 از پایان‌نامه خود دفاع کرده‌اند. این دسته از دانشجویان شامل 47 دانش‌آموخته در رشته‌های مختلف تحصیلی، می‌شود که به دلیل کوچک بودن این بخش از جامعه آماری از بین آنان نمونه‌گیری به عمل نیامد و سرشماری شد. از سوی دیگر، به دلیل عدم دسترسی به این بخش از جامعه آماری، پرسشنامه مذکور از طریق پست برای آنان ارسال گردید که تعداد 30 پرسشنامه (معادل 64 درصد جامعه آماری)، بازگشت داده شد.

2) دانشجویانی که تا تاریخ 87/6/31 طرح مقدماتی پایان‌نامه آنها در شورای آموزشی دانشکده به تصویب رسیده است و در حال انجام امور مربوط به پایان‌نامه خود می‌باشند، لیکن تا آن تاریخ (87/6/31) موفق به دفاع از پایان‌نامه خود نشده‌اند. بر طبق اطلاعات اخذ شده از ادارات آموزش دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی، این بخش از جامعه آماری، شامل 104 نفر دانشجوی دکتری می‌شد. به دلیل حجم بالای این بخش از جامعه آماری، حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و جرسی تعداد 80 نفر تعیین شد. پس از تعیین حجم نمونه از شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای² استفاده شد. همچنین به منظور افزایش اعتبار پژوهش، حجم بیشتری از پرسشنامه‌ها توزیع شد تا در صورت داشتن ریزش در گردآوری اطلاعات، به همان حجم نمونه (نفر) دست یابیم که در عمل، تعداد 88 پرسشنامه جمع‌آوری شد.

یافته‌های پژوهش

با استفاده از داده‌های گردآوری شده، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند که توضیح آن به شرح زیر است:

1. بین عوامل تبیین کننده تجارب پژوهشی دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد، رابطه معناداری وجود دارد.

در پرسشنامه پژوهش، عوامل تبیین کننده تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، در قالب 7 عامل اصلی به این شرح آمده است: 1. فرایند تصویب طرح مقدماتی پایان نامه (پروپوزال)، 2. استاد راهنما، 3. زیرساخت‌ها و امکانات دانشگاه، 4. ارائه شرایط و زمینه‌های رشد فکری²، 5. گسترش مهارت‌ها، 6. شفاف‌سازی معیارها و اهداف و 7. آزمون پایان نامه. به منظور تحلیل داده‌ها جدول دو طرفه همبستگی ارائه شده است که با استفاده از آزمون پیرسون³ به بررسی رابطه بین این عوامل هفت‌گانه پرداخته می‌شود (جدول 1).

جدول (1) جدول دو طرفه آزمون پیرسون به منظور سنجش وجود رابطه بین عوامل تبیین کننده تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد

آزمون پایان‌نامه	شفاف‌سازی معیارها	گسترش مهارت‌ها	رشد فکری	زیرساخت‌ها	استاد راهنما	فرایند تصویب								
							1	ضریب همبستگی پیرسون (P-value)	فرایند تصویب					
							1	7371/7000	ضریب همبستگی پیرسون (P-value)	استاد راهنما				
							1	7309/7000	ضریب همبستگی پیرسون (P-value)	زیرساخت‌ها				
							1	7569/7000	7372/7000	7420/7000	ضریب همبستگی پیرسون (P-value)	رشد فکری		
							1	7382/7000	7312/7000	7300/7000	7252/7000	ضریب همبستگی پیرسون (P-value)	گسترش مهارت‌ها	
							1	7456/7000	7389/7000	7311/7000	7263/7000	7312/7000	ضریب همبستگی پیرسون (P-value)	شفاف‌سازی معیارها
1	7302/7000	7286/7000	7451/7000	7215/7000	7488/7000	7421/7000		ضریب همبستگی پیرسون (P-value)	آزمون پایان‌نامه					

1. به کلیه شرایط فیزیکی، مکانی، مالی، منابع اطلاعاتی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز برای انجام یک پژوهش اطلاق می‌گردد. مثل ابزارها و لوازم، کارگاه و یا آزمایشگاه، حمایت مالی، امکانات و منابع رایانه‌ای و امکانات کتابخانه‌ای و...

2. فراهم‌آوری فرصت‌هایی برای تبادل آرا با سایر دانشجویان پژوهشگر، تشویق دانشجویان، ایجاد روحیه همدلی بین دانشجویان و استادان، تشکیل کنفرانس‌ها و سمینارهایی برای دانشجویان درگیر با امر پژوهش، برخی از مقوله‌های ارائه شرایط و زمینه‌های رشد فکری می‌باشد.

3. Pearson correlation

با توجه به نتایج جدول (1) و ضرایب همبستگی محاسبه شده، ملاحظه می‌شود که بین تمام عوامل تبیین‌کننده تجربه پژوهشی، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین میزان همبستگی (569/) بین متغیر «زیرساخت‌ها و امکانات دانشگاه» و متغیر «ارائه شرایط و زمینه‌های رشد فکری» می‌باشد و کمترین میزان همبستگی (0/215) بین متغیر «آزمون پایان‌نامه» و متغیر «زیرساخت‌ها و امکانات دانشگاه» می‌باشد. از سوی دیگر، بین تمامی عوامل رابطه مثبت وجود دارد و این بدین معنا است که افزایش میزان رضایت یکی از عوامل، سبب افزایش سطح رضایت سایر عوامل می‌گردد و این عوامل با یکدیگر تبیین‌کننده تجربه پژوهشی دانشجویان هستند.

2. میزان رضایت دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد از عوامل مختلف تجارب پژوهشی متفاوت است.

به منظور بررسی این فرضیه، میانگین پاسخ‌های داده شده توسط پاسخگویان در قالب جدول (2) ارائه شده است.

جدول (2) میانگین نظرات پاسخگویان در مورد متغیرهای مرتبط با عامل «رضایت کلی» (n=118)

میزان رضایت کلی	میزان رضایت از فرایند آزمون پایان‌نامه (عامل 7)	میزان رضایت از شفاف سازی معیارها و ضوابط لازم برای نگارش... (عامل 6)	میزان رضایت از کسب و گسترش مهارت‌ها (عامل 5)	میزان رضایت از شرایط و زمینه‌های فکری ارائه شده توسط دانشکده و گروه آموزشی. (عامل 4)	میزان رضایت از زیرساخت‌ها و امکانات دانشگاه فردوسی (عامل 3)	میزان رضایت از استاد راهنما (عامل 2)	میزان رضایت از فرایند تصویب طرح‌های مقدماتی پایان‌نامه (عامل 1)	متغیرهای مطرح شده پیرامون رضایت کلی
3/25	3/8	3/45	3/97	2/69	2/99	3/59	3/51	میانگین

همانگونه که یافته‌های جدول (2) نشان می‌دهد، بیشترین میزان رضایت پاسخگویان از متغیر «کسب و گسترش مهارت‌ها» با میانگین 3/97 می‌باشد و پس از آن متغیر «آزمون پایان‌نامه» با میانگین 3/8 دارای بیشترین میزان رضایت است. لیکن

متغیرهای «شرایط و زمینه‌های رشد فکری ارائه شده توسط دانشکده و گروه آموزشی» با میانگین $2/69$ و «زیرساخت‌ها و امکانات دانشگاه و دانشکده» با میانگین $2/99$ دارای کمترین میزان رضایت می‌باشند. سایر متغیرها نیز با میزان رضایت نسبی روبه‌رو هستند. همچنین رضایت کلی نیز دارای میانگینی بالاتر از 3 می‌باشد ($3/25$) که نشان دهنده رضایت نسبی دانشجویان از عوامل مختلف تبیین‌کننده تجربه پژوهشی می‌باشد.

در ادامه و به منظور رتبه‌بندی میانگین‌ها و بررسی مقایسه میانگین رتبه‌بندی عوامل مختلف تجربه پژوهشی¹ از آزمون فریدمن² استفاده شد نتایج مربوطه در جدول (3) ارائه شده است.

جدول (3) آزمون فریدمن و رتبه میانگین عوامل مؤثر در تجربه پژوهشی دانشجویان دکتری ($n=118$)

P-value	میزان رضایت کلی	میزان رضایت از شفاف سازی معیارها و ضوابط لازم برای نگارش... (عامل 6)	میزان رضایت از کسب و گسترش مهارتها (عامل 5)	میزان رضایت از شرایط و زمینه‌های فکری ارائه شده توسط دانشکده و گروه آموزشی (عامل 4)	امکانات دانشگاه فردوسی (عامل 3)	میزان رضایت از استاد راهنما (عامل 2)	میزان رضایت از فرایند تصویب طرح مقدماتی پایان نامه (عامل 1)	رتبه میانگین
.	3/58	4/3	5/96	2/16	2/81	4/6	4/6	

همانگونه که در جدول (3) مشاهده می‌شود رتبه میانگین کسب و گسترش مهارت‌ها، بالاتر از سایر عوامل است و دو عامل شرایط و زمینه‌های فکری و زیرساخت‌ها، کمترین میانگین را بدست آورده‌اند. آلفای بدست آمده از اجرای آزمون فریدمن نیز برابر با $0/00$ می‌باشد و بیانگر آن است که عوامل مورد بررسی از یک گروه می‌باشند.

1. از آنجایی که یکی از شرایط انجام آزمون فریدمن برابری جوامع آماری است، عامل آزمون پایان‌نامه در این بخش مورد بررسی قرار نگرفت.

3. متغیرهایی مانند جنسیت و حوزه آموزشی دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد بر میزان رضایت دانشجویان از تجارب پژوهشی مؤثر است. فرضیه بالا از دو بخش تشکیل شده است: 1- تأثیر جنسیت بر میزان رضایت 2- و تأثیر حوزه آموزشی بر میزان رضایت دانشجویان. یافته‌های پژوهش در مورد این فرضیه که جنسیت دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد بر میزان رضایت دانشجویان از تجارب پژوهشی مؤثر است، نشان داد که دانشجویان مرد دارای میانگین رضایت 3/14 می‌باشند؛ در حالی که دانشجویان زن از تجربه پژوهشی خود رضایت بیشتری دارند و دارای میانگین 3/45 می‌باشند. به منظور تعیین تفاوت میزان رضایت دانشجویان زن و مرد از آزمون t برای نمونه‌های مستقل¹ استفاده که نتایج آن در جدول (4) ارائه شده است.

جدول (4) آزمون معنادار بودن تفاوت مشاهده شده در میانگین نظرات دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی به تفکیک جنسیت، نسبت به میزان رضایت کلی از تجربه پژوهشی (n=88)

فاصله اطمینان 95% برای وجود اختلاف	اختلاف میانگین	P- value	t	درجه آزادی	آزمون برابری واریانس‌ها		آماره‌ها	نتیجه
					P- value	F		
حد بالا -/06610	-/31011	/013	-2/517	116	/608	/256	قبول فرض برابری واریانس‌ها	نتیجه تفاوت
حد پایین -/55412	-/31011	/013	-2/484	76/002			رد فرض برابری واریانس‌ها	

نتایج حاصل از واریانس‌ها نشان می‌دهد که P-value بدست آمده در مورد «رضایت کلی» برابر با 608/ و بزرگتر از 05/ می‌باشد. بنابراین، فرض برابری واریانس‌ها در این مورد پذیرفته می‌شود. بنابراین از نظر آماری، اختلاف معناداری

بین میزان رضایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد بر حسب جنسیت وجود دارد.

متغیر بعدی این فرضیه «حوزه آموزشی دانشجویان دکتری» می‌باشد که بدان پرداخته شده است. به منظور پاسخ به این فرضیه، در ابتدا 4 دسته‌بندی¹ برای حوزه‌های آموزشی، شامل حوزه‌های فنی و مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی و کشاورزی صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که دانشجویان حوزه‌های کشاورزی (3/42)، فنی و مهندسی (3/26)، علوم پایه (3/18) و علوم انسانی (3/1) به ترتیب دارای بیشترین میزان رضایت از تجربه پژوهشی خود می‌باشند. همانطور که مشاهده می‌شود، تمامی حوزه‌ها دارای میانگین بالای 3 هستند. با فرض نرمال بودن متغیرهای مربوطه و با استفاده از آزمون ANOVA² به مقایسه میانگین میزان رضایت دانشجویان دکتری حوزه‌های مختلف پرداخته شده است (جدول 5).

جدول (5) نتایج آزمون ANOVA درباره تفاوت میانگین میزان رضایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد بر حسب حوزه تحصیل آنان (n=118)

حوزه‌های آموزشی	منبع تغییرات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	P-value با سطح اطمینان %95
	بین گروه‌ها	3	/620	1/495	/220
	درون گروه‌ها	114	414		
	جمع	117			

نتایج حاصل از جدول (5) نشان می‌دهد، با توجه به P-value بدست آمده که بزرگتر از 05/ می‌باشد، تفاوت میانگین بین حوزه‌های مختلف آموزشی در دانشگاه فردوسی مشهد معنادار نیست. به عبارتی دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد بسته به حوزه آموزشی، میزان رضایت تقریباً مشابهی از تجربه پژوهشی خود دارند.

1. هرچند اصطلاح حوزه‌های آموزشی به 5 دسته تقسیم می‌گردد، اما به دلیل عدم وجود رشته‌های پزشکی (حوزه پزشکی) در دانشگاه فردوسی و پژوهش حاضر، این دسته‌بندی شامل 4 حوزه بالا گردید.

4. مشکلات موجود در تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد برحسب حوزه آموزشی متفاوت است. این فرضیه دربر دارنده 9 مشکل پژوهشی دانشجویان در نگارش پایان‌نامه می‌باشد. نتیجه اجرای آزمون ANOVA پیرامون وجود تفاوت در میانگین مشکلات دانشجویان در حوزه‌های مختلف در جدول (6) ارائه شده است.

جدول (6) نتایج آزمون ANOVA درباره تفاوت در میانگین نظرات پاسخگویان، پیرامون مشکلات پژوهشی، بر حسب حوزه آموزشی (n=118)

مشکل مورد بررسی بر حسب حوزه‌های مختلف آموزشی	منبع تغییرات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	P-value با سطح اطمینان 95%
انتخاب موضوع	بین گروه‌ها	24/467	8/156	5/028	7/003
	درون گروه‌ها	184/898	1/622		
	جمع	209/364			
نگارش طرح مقدماتی پایان‌نامه	بین گروه‌ها	13/674	4/558	4/143	7/008
	درون گروه‌ها	125/420	1/100		
	جمع	139/093			
دسترسی به منابع اطلاعاتی مورد نیاز برای موضوع پژوهش	بین گروه‌ها	7/282	2/427	1/820	7/148
	درون گروه‌ها	152/082	1/334		
	جمع	159/364			
گردآوری داده‌ها در قالب طرح تحقیق	بین گروه‌ها	18/941	6/314	1/820	7/007
	درون گروه‌ها	149/688	1/482		
	جمع	168/629			
تحلیل و توصیف آماری داده‌ها	بین گروه‌ها	3/296	1/099	7/789	7/502
	درون گروه‌ها	143/358	1/392		
	جمع	146/654			
نگارش پایان‌نامه	بین گروه‌ها	11/869	3/956	3/995	7/010
	درون گروه‌ها	107/937	7/990		
	جمع	119/805			
نداشتن وقت کافی برای پرداختن به پایان‌نامه	بین گروه‌ها	5/222	1/741	1/526	7/212
	درون گروه‌ها	124/317	7/141		
	جمع	129/540			
نحوه ارتباط با استاد راهنما	بین گروه‌ها	4/882	1/627	1/071	7/365
	درون گروه‌ها	171/751	1/520		
	جمع	176/632			
روند اداری دانشگاه، دانشکده و گروه آموزشی	بین گروه‌ها	17/578	7/526	7/325	7/807
	درون گروه‌ها	181/181	1/618		
	جمع	182/759			

داده‌های جدول (6) نشان می‌دهد که کوچکتر بودن P-value بدست آمده پیرامون مشکلات «انتخاب موضوع»، «نگارش طرح مقدماتی پایان‌نامه (پروپوزال)»، «گردآوری داده‌ها در قالب طرح تحقیق» و «نگارش پایان‌نامه»، نشانگر وجود تفاوت معنادار بین این مشکلات در حوزه‌های مختلف آموزشی است. در سایر مشکلات مطرح شده، تفاوت معنادار نمی‌باشد.

5. وضعیت اشتغال دانشجویان در میزان رضایت وی از تجربه پژوهشی مؤثر است. در جدول (7) شاخص‌های آماری این متغیر ارائه شده است. در ادامه نیز چگونگی اختلاف معناداری میزان فعالیت دانشجویان از تجربه پژوهشی بر پایه وضعیت اشتغال آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول (7) شاخص‌های آماری میزان رضایت کلی پاسخگویان از تجربه پژوهشی بر حسب وضعیت اشتغال آنان (n=118)

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
رضایت کلی	شاغل	45	3/18	/589
	غیر شاغل	73	3/29	/0798

یافته‌های جدول (7) نشان می‌دهد که اختلاف بسیار اندکی بین میزان رضایت کلی دانشجویان شاغل و غیرشاغل از تجربه پژوهشی وجود دارد.

جدول (8) آزمون معنادار بودن تفاوت مشاهده شده در میانگین نظرات دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی به تفکیک وضعیت اشتغال، نسبت به میزان رضایت کلی از تجربه پژوهشی (n=88)

تفاوت	آماره‌ها	آزمون برابری واریانس‌ها		درجه آزادی	t	P-value	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان 95% برای وجود اختلاف	
		P-value	F					حد بالا	حد پایین
قبول فرض برابری واریانس‌ها	/154	/695	116	-/883	/379	-/10853	/13486	-/35193	
	رد فرض برابری واریانس‌ها		103/560	-/915	/363	-/10853	/12682	-/34383	

در جدول (8) به بررسی وجود تفاوت معنادار بین میزان رضایت دانشجویان دکتری شاغل و غیرشاغل پرداخته شده است. نتایج حاصل از اجرای آزمون t ($P\text{-value} = /695$) نیز نشان داد که اختلاف معناداری بین میزان رضایت این دو گروه وجود ندارد؛ این بدین معنی است که احتمالاً اشتغال دانشجویان بر میزان رضایت آنان از تجربه پژوهشی مؤثر نیست.

6. رتبه علمی استاد راهنما در رضایت دانشجو از عملکرد وی مؤثر است.

استاد راهنما، نقش مهمی در فرایند تجربه پژوهشی دانشجویان ایفا می‌نماید. از آنجایی که استادان راهنما دارای رتبه‌های علمی متفاوتی هستند، به بررسی میزان تأثیر این رتبه علمی بر میزان رضایت دانشجویان تحت راهنمایی استادان، پرداخته شده است. نتیجه انجام آزمون ANOVA بر روی میانگین‌های بدست آمده از میزان رضایت از استادان با رتبه‌های علمی استادیار (3/26)، دانشیار (3/14) و استاد (3/27) در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (9) نتایج آزمون سنجش تأثیر رتبه علمی استاد راهنما بر میزان رضایت دانشجویان از عملکرد استاد راهنما، آزمون ANOVA ($n=114$)

P-value	F	مربع میانگین	درجه آزادی	منبع تغییرات	رتبه علمی استاد راهنما
با سطح اطمینان 95%	/466	/399	2	بین گروه‌ها	
/629		47/553	111	درون گروه‌ها	
		47/952	113	جمع	

نتایج جدول (9) نشان می‌دهد که با درجه آزادی 2 ($n-1$)، $P\text{-value}$ بدست آمده از 05/ بزرگتر می‌باشد؛ بنابراین در سطح اطمینان 95% رتبه علمی استاد راهنما بر میزان رضایت دانشجویان از عملکرد وی مؤثر نیست.

7. میزان رضایت دانشجویان از تجربه پژوهشی بر اساس چگونگی انتخاب موضوع پژوهش متفاوت است.

فرد با انتخاب درست و اصولی موضوع پژوهش که اولین مرحله در انجام آن محسوب می‌شود، می‌تواند گام نخست را محکم برداشته و با ثبات قدم بیشتری پای

در عرصه پژوهش گذارد. در پژوهش حاضر، سعی شد تا شیوه‌های مختلف انتخاب موضوع پژوهش، مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین در پرسشنامه پژوهش، 5 شیوه انتخاب موضوع، مطرح گردید. سپس میانگین رضایت کلی افراد در هر شیوهی انتخاب موضوع، به این شرح مشخص گردید: انتخاب موضوع توسط دانشجو (3)، پیشنهاد موضوع توسط استاد راهنما (3/28)، ارائه موضوع توسط افرادی خارج از دانشگاه (3/17)، شکل گرفتن موضوع با تبادل آراء بین دانشجو و استاد (3/45) و سایر موارد (3/38). نتایج بدست آمده از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه در بررسی تأثیر تفاوت این شیوه‌های انتخاب موضوع در میانگین رضایت کلی افراد در جدول (10) ارائه شده است.

جدول (10) نتایج آزمون سنجش معنادار بودن تفاوت در میانگین رضایت کلی پاسخگویان از تجربه پژوهشی و «چگونگی انتخاب موضوع» (n=118)

P-value با سطح اطمینان %95	F	مربع میانگین	درجه آزادی	منبع تغییرات	چگونگی انتخاب موضوع
/081	2/134	/862	4	بین گروه‌ها	
		/404	113	درون گروه‌ها	
			117	جمع	

همانطور که مشاهده می‌کند، با درجه آزادی 5 (n-1) و در سطح اطمینان 95%، با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون بالا (/081) بزرگتر از /05 است. بنابراین میزان رضایت کلی دانشجویان از تجربه پژوهشی در شیوه‌های مختلف انتخاب موضوع، تفاوت وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که تنها راه نجات پژوهش کشور و تنها راهبرد اساسی در توسعه علمی، توجه به اصل حمایت از جوانه‌های رشدپذیر و ایجاد جزیره‌های کیفیت است (منصوری، 1383)، می‌بایست به قشر دانشجو توجه شود و در این بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دلیل ماهیت آموزشی خود نیازمند توجه بیشتری هستند؛ چرا که

نگارش و استخراج تنها یک مقاله از هر پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دو مقاله از هر پایان‌نامه دکتری سبب می‌شود تا ایران جزو ده کشور برتر تولید علمی در سطح جهان، قرار گیرد (موسوی، 1382).

در پژوهش حاضر، سعی گردید تا عوامل مختلف موجود در فرایند تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد و موانع و مشکلات موجود بر سر راه آنان مورد بررسی قرار گیرد. نتایج بدست آمده، نشان داد که بین تمام عوامل تبیین‌کننده تجربه پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد (جدول 1). از سوی دیگر بیشترین میزان همبستگی (0/569) بین متغیر «زیرساخت‌ها و امکانات دانشگاه» و متغیر «ارائه شرایط و زمینه‌های رشد فکری» می‌باشد. این یافته پژوهش بدین معناست که این دو عامل با یکدیگر رابطه قوی دارند. به عبارت دیگر، افزایش امکانات پژوهشی همانند امکانات مالی، مکانی، منابع اطلاعاتی و کتابخانه‌ای دانشگاه فردوسی مشهد سبب می‌شود تا زمینه‌های لازم برای تبادل آرا بین دانشجویان پژوهشگر، تشویق دانشجویان، ایجاد روحیه همدلی بین دانشجویان و استادان فراهم آید و در نتیجه سطح موافقت از عامل «ارائه شرایط و زمینه‌های رشد فکری» افزایش یابد. (هانبری، 2007) نیز در پژوهش خود به بررسی وجود رابطه بین این عوامل پرداخته است. وی نیز به این نتیجه رسیده است که بین عوامل تبیین‌کننده تجربه پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نشان داده شد که میزان رضایت دانشجویان عوامل هفت‌گانه تبیین‌کننده تجربه پژوهشی متفاوت است (جدول 2). همچنین نتایج آزمون فریدمن نیز نشان داد که بین این عوامل هماهنگی وجود دارد (جدول 3). آنچه که از این بخش بر می‌آید، این است که دانشجویان بر حسب وضعیت و شرایط خاص خود و با توجه به عواملی که با آن روبه‌رو هستند، سطح رضایت متفاوتی از تجربه پژوهشی خود دارند و بسته به وضعیت پژوهشی خود برداشت متفاوتی از عوامل دارند که این امر سبب این تفاوت شده است. بررسی تأثیر جنسیت دانشجویان بر میزان رضایت از تجربه پژوهشی آنان نیز نشان داد که زنان نسبت به مردان دارای میزان رضایت بیشتری از تجربه پژوهشی خود می‌باشند (جدول 4). البته (کارداش، 2000)، و (عبدالحافظ، 2007)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که تفاوت معناداری بین مردان و زنان در تجربه پژوهشی وجود ندارد. (لوپاتو، 2004) نیز دریافت که مردان و زنان سطوح اکتسابی یکسانی از فواید تجربه پژوهشی داشته‌اند. شاید بتوان تفاوت‌های شخصیتی بین زنان و مردان و توجه بیشتر

به جزئیات، دقت در انجام بهتر امور و پایین بودن سطح انتظارات زنان نسبت به مردان را سبب رضایت بیشتر زنان در این پژوهش دانست. اگر چه نباید شرایط و فرهنگ جوامع مورد بررسی در پژوهش حاضر و پژوهش‌های خارجی را نادیده گرفت. همچنین مشخص گردید که بین میانگین رضایت حوزه‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد (جدول 5). از سوی دیگر، مشخص شد که دانشجویان حوزه علوم انسانی، کمترین میزان رضایت را از عوامل تبیین‌کننده تجربه پژوهشی دارند. شاید بتوان دلیل این امر را گستردگی موضوعات، پیچیدگی مباحث، نیاز بیشتر به امکانات کتابخانه‌ای و... در حوزه علوم انسانی دانست. از طرف دیگر نشان داده شد که بین برخی از مشکلات پژوهشی دانشجویان بر حسب حوزه‌های مختلف آموزشی تفاوت وجود دارد (جدول 6).

همچنین مشخص گردید که وضعیت اشتغال دانشجوی، مرتبه علمی استاد راهنما و چگونگی انتخاب موضوع بر میزان رضایت کلی دانشجویان از تجربه پژوهشی مؤثر نیست (جدول‌های 8، 9 و 10). نتایج بدست آمده از پژوهش (مابروک و پیترز، 2000)، نشان داد که به نظر دانشجویان، ارزشمندترین ویژگی‌های استاد راهنما، تسلط موضوعی در خصوص پژوهش، علاقه‌مندی، حضور و شکیبایی اوست و این ویژگی‌ها ارزشمندتر از روشنفکر بودن، شهرت و پیشتاز بودن علمی وی می‌باشد. به عبارتی به نظر دانشجویان، مرتبه علمی استاد راهنما نسبت به سایر عوامل، تأثیر چندانی در روند پژوهش ندارد. نیلی و همکاران (1383) به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت راهنمایی استادان راهنما بر حسب دانشکده و مرتبه علمی تفاوت وجود دارد، ولی تفاوت معنادار نبوده است. فعلی، پزشکی راد و چیدری (1385) به این نتیجه رسیدند که دانشجویانی که استادان راهنمای آنان دارای مرتبه استادیاری است، نسبت به سایر دانشجویان، به نوعی دارای رضایت بیشتری هستند. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش نیلی و همکاران، مشابه می‌باشد، لیکن با آنچه که فعلی، و همکاران به آن دست یافتند، متفاوت است. (کانتر، 2006) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که هرگاه دانشجو و استاد راهنما با همفکری یکدیگر موضوع تحقیق را انتخاب نمایند، دانشجویان رغبت بیشتری برای نگارش از خود نشان می‌دهند؛ این یافته با پژوهش حاضر هماهنگی دارد؛ چرا که میانگین میزان رضایت این دسته از دانشجویان نسبتاً بالا است.

با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توان بیان داشت که به طور کلی، رضایتی نسبی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد از عوامل تبیین‌کننده تجربه پژوهشی وجود دارد. امکانات و زیرساخت‌های دانشگاه و ارائه زمینه‌های رشد فکری، دو عاملی هستند که دارای کمترین میزان رضایت هستند که باید بیشتر مورد توجه و دقت نظر قرار گیرد و با اختصاص بودجه و امکانات بیشتر و فراهم آوردن فضای شکوفایی علمی، نسبت به رفع این مشکل اقدام نمایند. در بین حوزه‌ها و دانشکده‌های مختلف دانشگاه فردوسی مشهد، دانشجویان دکتری رشته‌های علوم انسانی، دارای بیشترین میزان نارضایتی هستند که می‌بایست در یک پژوهش مجزا به مسایل و مشکلات این بخش از دانشجویان پرداخته شود و راهکارهای لازم اعمال گردد. به هر صورت، باید به این نکته توجه داشت که در برنامه‌ریزی‌های مدیریتی برای دانشجویان می‌بایستی دانشکده و نوع حوزه‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که تفاوت در ماهیت حوزه‌های مختلف آموزشی سبب بروز تفاوت در نیازهای دانشجویان نیز می‌گردد. استادان راهنما در دانشگاه می‌توانند ضمن ارتقای توانایی‌های علمی خود، در جهت برقراری ارتباط و تعامل سازنده‌تر با دانشجویان گام بردارند تا در جریان یک کار پژوهشی، درک متقابل درستی از یکدیگر داشته باشند. تغییر سیستم ارزشیابی سنتی و تکیه بر معیارهای نوین سبب می‌شود تا برخی از کاستی‌های این مقوله از بین رفته و یا کاهش یابد. به طور کلی، نظام سنتی آموزش دانشگاهی در ایران نیاز به بازنگری در بسیاری از مؤلفه‌های خود دارد و برای فراهم نمودن محیطی پویا و فعال نیازمند تغییر و تکوین جنبه‌های مختلف خود می‌باشد. دوری از کمی‌گرایی یکی از این عوامل است. افزایش بودجه‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها نیز از دیگر عواملی است که می‌بایست از سوی دولتمردان و برنامه‌ریزان مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- آراسته، حمیدرضا (1382). نقش آموزش عالی در چشم‌انداز توسعه ایران 1404. مجله رهیافت، 31، 33-42.
- برنجیان، شاهپور رضا (1381). پژوهش و دانشگاه. فرهنگ فارس، (16-17).
- حری، عباس و شاهبدایی، اعظم (1385). شیوه‌های استناد در نگارش‌های علمی: رهنمودهای بین‌المللی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسرتی، مصطفی (1384). نگارش دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران: حلقه گمشده آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، (35 و 36)، 103 - 138.
- رفاهی، مهتاب؛ رفائی، الهه؛ ثابت، بابک و بقایی، عبدالله (1379). کیفیت پایان‌نامه و چگونگی اجرای آن: نظرسنجی از کارورزان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - مرداد ماه 1379. پژوهش در علوم پزشکی، سال ششم، (1)، 1-6.
- زمانی، بی بی عشرت و عظیمی، سید امین (1383). پژوهشی در زمینه مشارکت دانشجویان در تولید دانش. مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار (ج 2). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- صادقی، محمد (1376). بررسی عوامل مؤثر در ارتقای کیفی تحقیقات دانشجویی در مقطع تحصیلات تکمیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- فعلی، سعید؛ پزشکی راد، غلامرضا و چیدری، محمد (1385). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیتهای پژوهشی و تولید علم. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، (42)، 94 - 106.
- فیاضی، عمادالدین (1380). اهمیت پژوهش، موانع و راهکارها. مجله اطلاعات، 8.
- منصوری، رضا (1383). شناخت عوامل رشد پژوهش و نه موانع آن: یک چرخش بینش. مجله رهیافت، شماره 32، 29 - 36.
- موسوی، فضل‌الله (1382). بررسی امکان ارتقای ایران به ده کشور اول تولیدکننده علم در جهان. مجله رهیافت، 30، 79 - 93.
- نیلی، محمدرضا؛ نصر، احمدرضا و اکبری، نعمت‌اله (1383). بررسی کیفیت راهنمای استادان راهنمای پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد

دانشگاه اصفهان، مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار (ج. 2). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

- Abdelhafez, A. M. M. (2007). *Postgraduate Research Students' Knowledge and Attitudes towards Good Supervisory Practice at the University of Exeter*. Retrieved November 14, 2007.
- Asmar, C. (1999). Is there a gendered agenda in academia? The research experience of female and male PhD graduates in Australian universities. *Higher Education*, (38), 255-273.
- Entwistle, N (2002). Research-Based University Teaching. *Psychology of Education Review*, 26 (2).
- Gilliland, A.; Mckemmish, S. (2004). Building an Infrastructure for Archival Research. *Archival Science*, 4, 149-197.
- Halstead, J. (1997). Council on Undergraduate Research: A resource and community for science educators. *Journal of Chemical Education*. 74 (2), 148-149.
- Hanburay, A. (2007). *Pilot report of the Postgraduate Research Experience Survey*. Retrieved November 10, 2007.
- Hunter, A.B.; Laursen, S. L.; Seymour, E. (2006). *Becoming a Scientist: The Role of Undergraduate Research in Students Cognitive, Personal, and Professional Development*. Retrieved December 11, 2007.
- Kanter, S. B. (2006). *Embodying research: A study of student engagement in research writing*. Unpublished doctoral thesis, School of Graduate Studies and Research, Indiana University of Pennsylvania, Pennsylvania.
- Kardash, C.M. (2000). Evaluation of an undergraduate research experience: Perceptions of undergraduate interns and their faculty mentors. *Journal of Educational Psychology*, 92 (1), 191-201.
- Kerieg, J. (2007). *The Postgraduate Coursework Student Experience at AUT 2006*. Auckland: Institutional Research Unit Auckland University of Technology.
- Loppato, D. (2004). Survey of Undergraduate Research Experiences (SURE): First Findings. *Cell Biology Education*, (3), 270-277.
- Mabrouk, P.A.; Peters, K. (2000). *Student perspectives on undergraduate research (UR) experiences in chemistry and biology*. Retrieved November 7, 2007.
- Merkel, C. A. (2001). *Undergraduate Research at Six Research Universities: A Pilot Study for the Association of American Universities*. Retrieved November 8, 2007.
- Seymour, E; Hunter, A. B.; Laursen, S. L.; Deanton, T. (2004). Establishing the Benefits of Research Experiences for Undergraduates in the Sciences: First Findings from a Three-Year Study. *Science Education*, 88 (4), 493-534.

-
- Stephani Bill, D. (1990). *A Qualities exploration into the dissertation research experience in doctoral nursing education*. Unpublished doctoral thesis, Columbia University, Columbia.
- Swager, S. L. (1997). *Faculty / Student Interaction in an undergraduate research program: Task and Interpersonal elements*. Unpublished doctoral thesis, University of Michigan, Michigan